

آینه‌های ستار

فصلنامه خبری، آموزشی و اطلاع‌رسانی
ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی
شماره هفتم - پاییز ۱۳۸۵

رسول خدا (ص):
طلب العلم فریضة علی کل مسلم
الا ان الله یحب بغاة العلم.
طلب علم بر هر مسلمانی واجب است
همانا خدا جویندگان علم را دوست دارد.
(اصول کافی، ج ۱، باب دوم، ص ۳۵)



مقام معظم رهبری:

تجلیل از دانش و دانشمندان، باعث رشد و رواج علم می‌شود و آینده و پیشرفت کشور را تضمین می‌کند.

بدینوسیله از زحمات پدربزرگ معاونت محترم پژوهشی و فناوری و به ویژه مدیریت محترم چاپ و انتشارات در زمینه چاپ نشریه تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.



فصلنامه خبری آموزشی و اطلاع‌رسانی
سازمان شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی

شماره هفتم - پاییز ۱۳۸۵

مسئول: مستاد شاهد و ایثارگر

مدیر مسئول: داود طالبی

سرمدین: مسکینه زاهدی

دبیر تحریریه: آریه آسری

مدیر هنری: مهیار سپهری

حرف‌نویس: مریم اصغری

تلفن: ۰۱۶-۲۲۲۰۱۰۱۶

شماره: ۲۲۲۱۱۳۳۷

E-mail: shahed83@sbu.ac.ir

www.shahed.sbu.ac.ir

همکاران این شماره

زهرا افلاحتژاد، زهرا کاشانی

زهرا کویوندی، زینب قلیچلی

امام خمینی (ره):
اگر مهلت پیدا کنیم این کشور را به برکت این جوانهای عزیز به آنجایی می‌رسانیم که احتیاجش در هر امری از کشورهای دیگر منقطع گردد.

- ۳. حرف اول
- ۵. به نام یکتا شایسته پرستش
- ۱۰. اسلام و مقتضیات زمان
- ۱۲. هم می‌جنگیدیم، هم لذت می‌بردیم
- گفتگوی یادگتر سید محمود رضا آقامیری
- ۱۶. در خیال من بیبچ
- ۱۷. متن پیام حضرت امام خمینی (ره)
- در اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان
- ۱۸. دستور العمل هایی برای خلاقیت
- ۲۰. دهر اهل برای خواب شبانه بهتر
- ۲۲. اساتید پدر و مادر دوم بچه ها
- ۲۶. مردان خدا
- ۲۸. شهیدار دشیر (محمدرضا) احمدی
- ۳۰. ابوالهول میراث سنگی فراغت
- ۳۲. لیکن سرزمین مقاومت
- ۳۴. اسامی دانشجویان شاهد و ایثارگر ممتاز نیمسال دوم ۸۵ - ۸۴
- ۳۶. جدول آماری دانشجویان کارشناسی شاهد و ایثارگر ورودی ۸۶ - ۸۵ به تفکیک جنسیت و نوع ایثارگری
- ۳۹. لیست دانشجویان ارشد شاهد و ایثارگر ورودی ۸۵ به تفکیک جنسیت و نوع ایثارگری
- ۴۱. مدرسه عشق



حرف اول

شهید آیت الله دکتر محمد مفتاح در سال ۱۳۰۷ ه.ش در خانواده ای روحانی در همدان به دنیا آمد. پدر ایشان مرحوم حجت الاسلام حاج شیخ محمود مفتاح از وعاظ بزرگ همدان بود.

استعداد فراوان و عشق زیاد شهید به تحصیل باعث شد که بزودی مراحل مختلف تحصیل را پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۲۲ در حالی که تنها ۱۵ سال داشت برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. در کنار تحصیل در حوزه، شهید مفتاح به تحصیل علوم جدید پرداخت و مدارج مختلف آن را تا اخذ درجه دکتری در رشته فلسفه ادامه داد.

فعالیت‌های ایشان در مسائل اجتماعی و سیاسی و آشنایی که از نزدیک با حوزه و دانشگاه و مسائل آن پیدا کرده بودند سبب گردید که استاد شهید از سال‌های بسیار قبل، به اهمیت وحدت فیضیه و دانشگاه پی‌برند.

مقاله ایشان تحت عنوان «وحدت مسجد و دانشگاه» که در سال ۱۳۴۰ در نشریه مکتب اسلام قم چاپ شده است خود به خوبی نشانگر نوع تفکر و تلاش عملی استاد مفتاح در زمینه ایجاد این وحدت از آن زمان‌ها است. با شروع قیام حضرت امام خمینی (ره) و در طول مبارزه، شهید مفتاح که یکی از شاگردان نزدیک ایشان بود، بارها دستگیر و تبعید شدند.

وهو الحکیم الخبیر

حرف اول این شماره پیشکش به ساحت شریف طراح وحدت حوزه و دانشگاه.

شهید آیت الله دکتر محمد مفتاح از جمله روحانیون روشنفکر و روشنگری بود که نقش مهمی در نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی ایفا نمود و قدم‌های موثری در راه ایجاد وحدت بین حوزه‌های علمیه و دانشگاه، یا دوقشر روحانی و دانشگاهی برداشت. ایشان که از اعضای اولیه شورای انقلاب بود در روز ۲۷ آذر ۱۳۵۸ در حیاط خلوت دانشکده الهیات دانشگاه تهران با شلیک چند گلوله از سوی تروریست‌های گروه فرقان به شهادت می‌رسد و این روز به پاس تلاش‌های آن بزرگوار روز وحدت حوزه و دانشگاه نامگذاری شده است. این مقاله مروری است هر چند کوتاه به زندگی و فعالیت‌های ایشان و طرح این سوال که باگذشت بیست و هفت سال از این نامگذاری آیا خروجی‌های دانشگاه افرادی علمی و اسلامی و خروجی‌های حوزه، عالمان دینی آگاه به مقتضیات زمان و مکان هستند؟

عامل اصلی اختلاف بین حوزه و دانشگاه را باید در فرهنگی که درسالهای خیلی دور وارد دانشگاه شد جستجو کرد که پرورش افرادی سکولار از اهداف اصلی آن دانشگاه مرکز فرهنگ سکولاریسم تلقی می‌شد و از سوی دیگر سعی بر اشاعه این تصور غلط می‌شد که حوزه مرکز دین منهای دنیا است یعنی همان رهبانیتی که پیامبر رحمت و الفت شدیداً با آن مبارزه کرد.

فعالیت‌های ایشان در مسائل اجتماعی و سیاسی و آشنایی که از نزدیک با حوزه و دانشگاه و مسائل آن پیدا کرده بودند سبب گردید که استاد شهید از سالهای بسیار قبل، به اهمیت وحدت فیضیه و دانشگاه پی‌برند.



یکی از راه‌های ایجاد این وحدت، توجه به نقاط مشترک حوزه و دانشگاه است. از جمله اشتراکات، این که هر دو نهادی آموزشی هستند و به شدت در فرهنگ جامعه و ساختن باورها و ارزش‌های مردم تاثیر دارند و از این رو بود که آن پیر سفر کرده استقلال فکری و عدم وابستگی دانشگاه‌ها را به غرب و یا شرق واجب می‌دانستند.

پس سوال اصلی که پاسخگویی به آن برای نویسنده این سطور، متولیان امور از مقامات دانشگاهی تا اساتید گرانقدر و دانشجویان (در حیطه دانشگاهی) واجب است اینکه چقدر این دغدغه معمار انقلاب اسلامی، امام عزیز، ذهن ما را مشغول کرده است و چه طرفی بر بسته‌ایم؟

غناي علمی استاد، تبحر و تسلط ایشان به علوم جدید و قدیم، بیان شیوا و قلم قدرتمند ایشان، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران را برآن داشت تا رسماً از ایشان برای تدریس دعوت به عمل آورد. شهید مفتوح به شوق همکاری با استاد شهید آیت الله مطهری، تدریس در دانشکده الهیات را پذیرفت و از سال ۱۳۴۹ در تهران اقامت گزید. پس از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران وی علاوه بر عضویت در شورای انقلاب به درخواست دانشجویان دانشکده الهیات و بعد از مشورت با استاد مطهری سرپرستی دانشکده الهیات دانشگاه تهران را پذیرفتند و در سالگرد شهادت آیت الله حاج سیدمصطفی خمینی، اقدام به تشکیل اولین سمینار وحدت حوزه و دانشگاه نمودند.



به نام یکتا شایسته پرستش

کسی که تکیه گاه خستگی‌های من است؛ خدا...
 در هستی سراسر شور در بیشه تنهایی دلم کز کرده‌ام، تنهایی ام روزهاست
 زاده شده و در سرزمین دلم فرمانروایی می‌کند، روزهاست بیداد می‌کند و
 روزهاست که در کوچه‌های سرد در گمی پرسه می‌زند، تنهایی تنها همسفر
 ثانیه‌های سرنوشت‌م شده و من خسته از این همه دلواپسی که در پس پرده‌های
 عنکبوت پنهان می‌دارم، خسته از این همه تنهایی سرد...
 هر گاه مرواریدهای گرم اشک‌هایم سرزمین سرد گونه‌ام را نوازش می‌کند بی‌تردید
 تو را صدا می‌زنم و یک نفس تو را نجوا می‌کنم، هر گاه خسته می‌شوم با تمام
 وجود بسویت می‌آیم، هر وقت دلم می‌گیرد می‌آیم تا با تو درد دل کنم...
 می‌آیم تا بند بند دلم را به پنجره امیدواریت گره بزنم و در تلاطم امواج
 نقره ای نوازشت غوطه‌ور شوم و با گام‌های سبزم در مسیر وصال راهی
 بجویم که آغاز و پایانش تنها و تنها تویی...
معبودا:

حالا که خسته‌ام، حالا که خستگی‌هایم را دریافته‌ام و حالا که آمده‌ام؛
 پذیرایم باش و پناه بی‌پناهی ام، ای امید دلتنگی‌های دیروز و امروز.
 زهرا کولی وندی
 رشته روانشناسی

کلاسهای طراحی و نقاشی همچنان ادامه دارد

پس از گذشت ۲ سال از آغاز کلاسهای طراحی و نقاشی و با استقبال دانشجویان شاهد و ایثارگر، این کلاسها همچنان ادامه دارد. آموزش در زمینه تکنیکهای رنگ روغن، آبرنگ و طراحی در این کلاسها توسط استاد عاطفی سلماسی تدریس می‌شود.



با تشکیل کلاسهای گزارشگری، دوره کلاسهای خبرنگاری کامل شد

ستاد شاهد و ایثارگر یک دوره کلاسهای خبرنگاری شامل: ۱- مبانی خبر نویسی ۲- مصاحبه ۳- گزارشگری، رابر گزار نمود. این کلاسها از ابتدای نیمسال اول ۸۵-۸۴ به ترتیب از مبانی خبر نویسی شروع و در نیمسال اول ۸۶-۸۵ با کلاس گزارشگری آخرین مرحله از این دوره، ادامه پیدا کرد. در حال حاضر اکثر دانشجویان شاهد و ایثارگر شرکت کننده قادر به فعالیت در زمینه‌های خبرنگاری، گزارشگری و مصاحبه می‌باشند و در نشریه اختصاصی ستاد شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی موسوم به "آئینه ایثار" به فعالیت مشغولند. لازم به ذکر است که آقای فرشاد فتوت مدرس ارشد باشگاه خبرنگاران جوان مسئولیت این کلاسها رابر عهده دارند.

اردوهای پاییزی

ردیف	نوع اردو	تاریخ برگزاری	مقصد	تعداد	توضیحات
۱	فرهنگی/زیارتی/توجیهی	۸۵/۶/۲۹ الی ۸۵/۷/۲	مشهد مقدس	۷۵ نفر	ویژه دانشجویان جدید
۲	فرهنگی/سیاحتی/زیارتی	۸۵/۸/۲ الی ۸۵/۸/۵	مشهد مقدس	۶۵ نفر	ویژه دانشجویان ورزشکار و دارنده مقام
۳	فرهنگی/سیاحتی/زیارتی	۸۵/۸/۸ الی ۸۵/۸/۱۱	مشهد مقدس	۶۴ نفر	۲۸ پرسنل جانباز دانشگاه و دانشجویان
۴	فرهنگی/زیارتی	۸۵/۸/۲۶ الی ۸۵/۸/۲۵	قم و جمکران	۴۴ نفر	-
۵	فرهنگی/زیارتی	۸۵/۹/۷ الی ۸۵/۹/۱۱	مشهد مقدس	۵۶ نفر	-

رئیس جمهور گفت: در ملاقاتی که در سفر اخیرم به سازمان ملل با سران کشورهای مختلف داشتیم، آنها از ما کمک و الگو مطالبه می کردند. وی خاطر نشان کرد: محیط دانشگاه باید محیطی برای خود سازی باشد. علم بدون اصلاح، آرمان و ایمان نمی تواند در خدمت بشر قرار گیرد. رئیس جمهور در این سخنرانی خطاب به وزرای علوم و بهداشت تاکید کرد: باید شیوه آموزشی ما تغییر کند، نظام آموزشی باید به نحوی کار آفرین باشد. وی افزود: دانشگاه باید مظهر عدالت خواهی و مهرورزی باشد.

رئیس جمهور گفت: در خصوص فن آوری صلح آمیز هسته ای قدم های اول پیشرفت را برداشته ایم و در آینده نزدیک، پیشرفت های زیادتری نیز خواهیم داشت.

گزارش عملکرد کانون ورزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر آذر ماه ۸۵

در هفته بسیج یک دوره مسابقات تنیس روی میز بین اساتید، کارکنان و دانشجویان شاهد و ایثارگر برگزار گردید. این مسابقات به مدت ۲ روز به صورت دو حذفی ادامه داشت که پس از انجام ۳۲ بازی نفرات اول تا سوم آن مشخص و در هفدهمین گردهمایی سالانه با اهدا جوایز مورد تشویق قرار گرفتند.

نفر اول	علی کمالی	دانشجوی تربیت بدنی	شاهد
نفر دوم	محمود قاری دزفولی	دانشجوی کامپیوتر	شاهد
نفر سوم	محمد حسین مصدق	کارمند دانشگاه	—

دانشگاه باید مظهر عدالت خواهی و مهرورزی باشد

دکتر محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، هشتم مهر ماه، در مراسم آغاز سال تحصیلی دانشگاهها و مراکز آموزش عالی کشور در تالار علامه امینی دانشگاه تهران حضور یافت.

احمدی نژاد گفت: دانشگاهها باید در محیطی دوستانه، کانون پژوهش گری و تضارب آراء و تبادل دیدگاهها و اندیشه های مختلف باشند. وی با تاکید بر لزوم صیانت از محیط دانشگاه گفت: دستگاہی که پایگاه اصلی آنها نظام سلطه است در طول سالهای گذشته تلاش کرد فضای دانشگاه را تخریب و دانشجویان را از مسیر اصلی خود منحرف کند و یاس و ناامیدی را در میان نسل دانشجو بپراکند. رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در ادامه به مقایسه ماموریت پیامبران الهی و کارکرد نهاد دانشگاه پرداخت و اظهار داشت: اولین مسئولیت دانشگاه، تربیت انسان مومن، نوآور، شجاع و آرمانی است که برای نجات بشریت و فتح قله های رفیع کمال سر از پا نمی شناسد.

رئیس جمهور، با تجلیل از ساحت دانشگاه، گفت: پیامبران سه ماموریت داشتند که یکی تربیت انسان موحد خلاق بود، دیگری برپایی جامعه نمونه شاهد و سومی، حرکت دادن انسان به نقطه کمال و مطلوب بشریت.

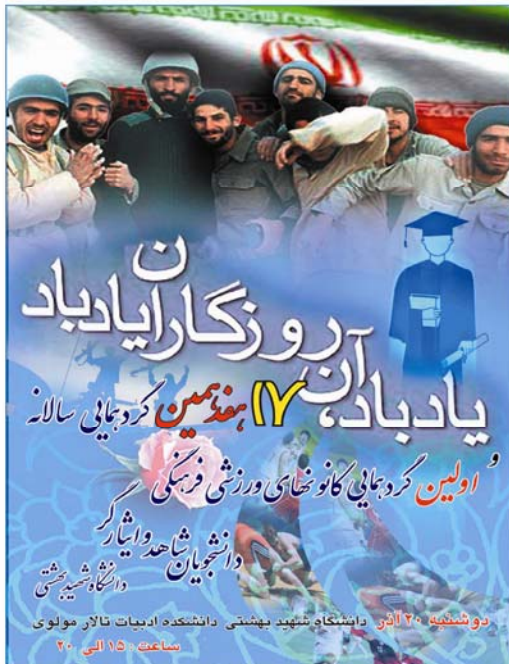
دکتر محمود احمدی نژاد، با تاکید بر اینکه امروز بشریت به سرعت در حال بیداری است، افزود: نشانه هایی از بیداری روزافزون در سراسر جهان مشاهده می شود. وی افزود: ملت ایران ۲۷ سال است که پرچمدار توحید و عدالت است و امروز نیز باید پرچمدار جامعه الگو باشد.

تشکیل کلاس‌های کوهنوردی

از تجهیزات تخصصی، بازدهی و عملکرد قابل قبول تری حاصل شد و همین امر تاثیر بسزایی در روحیه آنان داشت و صعود به کلک چال و دارآباد، با موفقیت بیشتری انجام شد.

همچنین، برنامه ریزی و هماهنگی کلاسهای تئوری و عملی موجبات افزایش اعتماد به نفس و ارتقای سطح علمی و عملی کوهنوردان را فراهم آورد. پیشرفت در این زمینه از اهداف مهم کانون ورزشی است و توجه ویژه‌ای به آن مبذول می‌شود.

گزارش هفدهمین گردهمایی سالانه و اولین گردهمایی کانون‌های ورزشی فرهنگی دانشجویان شاهد و ایثارگر دانشگاه شهید بهشتی ایثارگر در پاییز ۸۵



با تشکیل کلاسهای آموزش علمی کوهنوردی، شامل کلاسهای عملی و تئوری که از تاریخ ۸۵/۷/۳۰ زیر نظر آقای عاطفی سلماسی (مریی کوهنوردی) انجام پذیرفت، پس از کسب آمادگی‌های لازم، اولین صعود کوهنوردان به قله توچال تهران در تاریخ ۸۵/۹/۲ صورت گرفت. بر اساس تست به عمل آمده از کوهنوردان، ۸۵٪ افراد حائز شرایط لازم برای صعودهای بعدی بودند.

در صعود اول کمبود تجهیزات محسوس بود که با همکاری و مساعدت مدیریت محترم دانشجویان شاهد و ایثارگر، تجهیزات لازم سریعاً خریداری و با تخفیف ویژه‌ای در اختیار دانشجویان قرار گرفت. در صعودهای بعدی با توجه به بهره‌مندی دانشجویان

مراسم در روز دوشنبه ساعت ۱۵ با تلاوت آیاتی از کلام ا... مجید توسط آقای تیرانداز دانشجوی رشته حقوق آغاز شد. خانم عباسی مجری برنامه سیمای قرآن کار اجرای این مراسم را برعهده داشتند. پس از معرفی برنامه‌ها توسط خانم عباسی، دکتر لطیفی ریاست دانشگاه، ضمن خوشامد گویی به مدعوین سخنانی را ایراد نمودند. به دنبال آن مهندس چمران با بیانی گرم و صمیمی خاطراتی از جنگ، مسائل لبنان و... را بازگو نمودند. و سپس مراسم اهدای جوایز به دانشجویان ممتاز شاهد و ایتارگر، برگزیدگان جشنواره فرهنگی ورزشی، مدرسان نمونه ستاد شاهد و ایتارگر انجام شد. همچنین به خانواده‌های دانشجویان شهید که به این گردهمایی دعوت شده بودند هدایایی به رسم یادبود اهدا شد. پس از اهدای جوایز برنامه موسیقی سنتی اجرا شد. در پایان این مراسم مدعوین برای صرف شام به رستوران شماره ۳ دانشگاه دعوت شدند. مراسم گردهمایی با پذیرایی از میهمانان به صرف شام پایان پذیرفت.

این گردهمایی در تاریخ ۸۵/۹/۲۰ در تالار مولوی با حضور دکتر لطیفی ریاست دانشگاه، مهندس چمران رئیس شورای شهر تهران، مهندس طالبی مدیر کل امور دانشجویان شاهد و ایتارگر، تنی چند از مسئولین و اساتید دانشگاه، خانواده‌های تعدادی از دانشجویان شهید دانشگاه و عده کثیری از دانشجویان شاهد و ایتارگر و غیر شاهد دانشگاه برگزار گردید.



نتایج مسابقات ورزشی برگزار شده دختران شاهد و ایتارگر به مناسبت میلاد حضرت معصومه (س)



مقام سوم	مقام دوم	مقام اول	رشته
معصومه تکلو	ثریا شاهمرادی	فاطمه حمزه	دو و میدانی
فهیمه فرازمنند	سیده رقیه فاطمی	امینه طاهری	بدمینتون
فاطمه رسولی	فهیمه فرازمنند	مهدیه همتی	تنیس روی میز
شهین تیر غم، گلزار آقایی زینب قلیچ لی و فاطمه درویشی	فاطمه رسولی، فاطمه حمزه سمیه جمشیدی و ثریا شاهمرادی	فهیمه فرازمنند، سیده رقیه فاطمی زهرا کولی وند و فائزه هاشمی	طناب کشی



اسلام و مقتضیات زمان

در محضر استاد مطهری

چون صاحب همچو قوه ای می باشد، زندگی او در خلقت از صفر باید شروع شود و از صفر هم شروع شده است، بعد با قوه ابتکار خودش قدم به قدم جلو می رود و وضع زندگی خودش را تغییر می دهد، از مرحله ای وارد مرحله دیگر می شود، از عهدی به عهد دیگر می رود، نتیجه این است که به اصطلاح، تمدن انسان دوره هایی دارد و تمدن حیوان دوره هایی ندارد.

این که می گویند مقتضیات زمان تغییر می کند، راست می گویند. علت تغییر کردنش هم همین است که با طرز خلقت انسان مربوط است. حیوان مکلف نیست یعنی مسئولیت روی دوش حیوان گذاشته نشده است. یک ماشین خودکار است، ولی انسان مسئول کار خودش است. تکلیف، وظیفه و مسئولیت همان چیزی است که قرآن از آن به نام امانت یاد کرده است. و تنها انسان بود که در میان مخلوقات خدا حاضر شد بار امانت تکلیف و مسئولیت را به دوش بگیرد. از همین جایک مطلب دیگر هم پیدا می شود یعنی یک تفاوت پیدا می شود و آن این است؛ حیوان ها همان طوری که در زندگی اجتماعی شان ترقی و تکامل ندارند، انحراف هم ندارند، سقوط هم ندارند.

در میان جاندارانی که زندگی اجتماعی دارند تنها انسان است که زندگی متحول و متکاملی دارد یعنی خداوند آن موجودات دیگر را طوری خلق کرده است که زندگی ثابت و یکنواختی دارند، از اول که پا به دنیا گذاشته اند بایک نظامات خاصی به وجود آمده اند و هر چه هم که زمان بر آنها گذشته است در نظامات و تشکیلات آنها تغییراتی پیدا نشده است. ولی انسان اینطور نیست، به انسان قدرتی داده شده است که ما نام آن را «عقل» یا «ابتکار» می گذاریم. انسان دارای قوه ابتکار است اما حیوان ابتکار ندارد. این اساس مطلب است. ابتکار یعنی نقشه تازه خلق کردن، نقشه جدید آفریدن.

حیوان همان چیزی را که از طریق وحی به او فهمانده شده است می داند، دیگر قادر نیست از پیش خود چیزی خلق کند یعنی نقشه ای را با فکر خودش طراحی نکند، ولی انسان قادر است. چون به انسانی که همچو قوه عجیبی داده شده است. غریزه را از او گرفته اند و به او گفته اند تو در پرتو این قوه باید زندگی کنی.

اخلاق دنیا به ما گفته اند که علم در وجود یک فرد دلیل نیست که او در طریق مصالح بشریت گام بردارد، ممکن است یک نفر عالم باشد و لی علمش در خدمت شهوتش قرار بگیرد. امیر المومنین علی (ع) می‌فرمایند: من علم فراوانی دارم ولی افسوس افرادی را پیدا نمی‌کنم که به آنها تعلیم بدهم، بعد فرمود: بله افرادی را پیدا می‌کنم ولی بعضی‌ها آدم‌های سلیم‌النفسی هستند که کودکان می‌باشند، نمی‌فهمند، عوضی می‌فهمند؛ اما بعضی دیگر، افراد زیرکی هستند اما تا معلومات را از من فرا می‌گیرند آن را وسیله قرار می‌دهند برای منافع مادی خودشان یعنی علم را وسیله هدفهای پست و پلید خودشان قرار می‌دهند.

پس اگر ما بگوئیم با مقتضیات زمان نباید به طور در بست هماهنگی کرد، این مخالفت با علم نیست، بلکه به واسطه این نکته است که ما می‌دانیم هنوز دوره ای که در آن دوره علم آزاد باشد، عقل آزاد باشد، دوره ای که علم و عقل بر شهوات مردم، بر جاه طلبیهای مردم حکومت بکند، نیامده است، یعنی هنوز عصری نیامده است که «اینیشتن» حاکم و آمر باشد و «روزولت» مطیع و مامور، بلکه برعکس است.

امیر المومنین (ع) تعبیری درباره آن عصر دارد که می‌فرماید: در آن عصر مردم صبحگاهان و شامگاهان جامی که می‌نوشند جام حکمت و معرفت است، جز جام حکمت و معرفت جام دیگری نمی‌نوشند. پس، از اینها ما نتیجه می‌گیریم که هنوز نباید جریان هایی را که در دنیا وجود دارد صد در صد تصدیق بکنیم، نباید کلمه مقتضیات زمان ما را فریب بدهد. هنوز خیلی فاصله دارد تا زمان به جایی برسد که تمام تغییراتش صحیح باشد.

اسلام و مقتضیات زمان / جلد اول / صص ۳۵-۲۵

انسان به علت یک همچو خلقت عجیبی سرشت مرکبی دارد. به موجب همین سرشت مرکب گاهی پیش می‌رود، گاهی عقب. از همین جا ما به این مطلب می‌رسیم که تغییراتی که در زندگی بشر پیدا می‌شود دو نوع است: یک نوع تغییرات صحیح و یک نوع تغییرات ناصحیح، اعتلایی و غیر اعتلایی. اکنون این سوال پیش می‌آید که کدام تغییرات ترقی و اعتلاء می‌باشد و کدام تغییرات فساد و انحراف.

خداوند به انسان عقل داده برای اینکه راه کمال را از راههای انحراف تشخیص بدهد. وضع بشر نشان می‌دهد که بشر گاهی به حکم عقل راه صحیح را طی می‌کند، گاهی به حکم اشتباه و جهالت و هوا پرستی راه انحراف را طی می‌کند. حالا باید ببینیم آنچه که در زمان پیدا شد آیا محصول عقل و علم بشر است یا چیز دیگری دخالت کرده است؟ گاهی می‌بینید صد در صد محصول علم و عقل است، و گاهی می‌بینید محصول علم است اما نه علم آزاد بلکه علم بیچاره اسیر. علم کار خودش را می‌کند، کشف و اختراع خودش را می‌کند. مثلاً یک دکتر دارو ساز با خودش فکر می‌کند حالا که من تحصیلات عالی داروسازی دارم، بجای اینکه یک داروخانه باز کنم که درآمد فقط روزی پنجاه تا صد تومان باشد، می‌آیم هروئین می‌سازم که به جای ماهی سه چهار هزار تومان، در ماه بیست سی هزار تومان در آمد داشته باشم. آیا ما در این جا می‌توانیم هروئین را محصول پیشرفت زمان بدانیم و بگوئیم این محصول قرن است، به نام مقتضیات زمان و پیشرفت زمان باید هروئین بکشیم.

در اینجا این دو استعدادی که قرآن می‌گوید، یکی تحت عنوان اَنَا عَرَضْنَا الْاَمَانَةَ و دیگری تحت عنوان اِنَّه كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا باهم آمیخته شده است. استعداد ابتکار بشر با استعداد ظلم و ستمگری و جهل بشر اتحاد پیدا کرده اند. پس، از اینجا ما می‌فهمیم بشر همین طور که پیشروی دارد، انحراف هم دارد. از قدیم الایام این مطلب را معلمین

هم می‌جنگیدیم هم لذت می‌بردیم

رقیه افسری

گفت‌و‌با دکت‌ر سید محمود رضا آقامیری
استاد مشاور غیر آموزشی دانش‌جویان شاهد و ایثارگر

◀ ابتدا از شما تشکر می‌کنم که با وجود مشغله فراوان وقتتان را در اختیار ما قرار دادید. لطفاً ضمن معرفی خودتان از سابقه همکاریتان با ستاد صحبت کنید.

- من سید محمود رضا آقامیری دکتری فیزیک پرتو‌زایی از کشور انگلستان هستم. دوره لیسانس را در دانشگاه شهید بهشتی در رشته فیزیک، گرایش هسته‌ای گذراندم و برای ادامه تحصیل به انگلستان رفتم. در حال حاضر عضو هیئت علمی دانشکده مهندسی هسته‌ای و معاون پژوهشی دانشکده می‌باشم. در گذشته از نظر فعالیت‌های ایثارگران جزء افراد پیشکسوت بودم در اوایل جنگ در دانشگاه به عنوان معاون جنگ انتخاب شدم و در سال ۶۷ همزمان معاونت دانشجویی را نیز عهده دار شدم.



جنگ بودند. اعزامها و کارهایی از این قبیل به عهده ما بود. رسیدگی به مسائل مربوط به جنگ در داخل دانشگاه زمانیکه جنگ شهرها شروع شد مانند پدافند دانشگاه نیز از دیگر وظایف معاونت جنگ دانشگاه بود. یعنی این که کلاسها کجا تشکیل شود، استتارها چگونه صورت بگیرد، حفاظت‌ها چگونه انجام شود، اینها همگی از وظایف معاونت جنگ دانشگاه بود.



حجت‌الاسلام ابوترابی ودوتن از خلبانان آزاده

مطمئناً لحظاتی برایتان پیش آمده به این مسئله فکر کنید که چرا نسل امروز تا این اندازه از آن اهداف و عقاید دور افتاده است مایلم از آن لحظه‌ها بگویند؟

- ببینید چون خودم در تمام دوران جنگ در جبهه بودم وقتی که به این موضوع فکر می‌کنم می‌بینم جنگ در زمان مایک نعمت بود که مختص زمان خودش بود، جنگ، سختی، مرگ، شهادت و اسارت داشت، غم داشت. هر روز شاهد این بودیم که دوستانمان از بین می‌روند. همه اینها درست است. جنگ همه اینها را داشت، اما جنگ یک حلاوت و شیرینی داشت که تا کسی آن را نچشد نمی‌تواند بگوید چه مزه ای دارد. من نسل امروز را سرزنش نمی‌کنم چرا که آن عسلی را که ندیده اند و

البته خیلی جوان بودم ۲۵، ۲۶ سال بیشتر نداشتم. این مسئولیتها تا سال ۷۲ ادامه داشت. در کنار این مسئولیتها، سال ۶۴ مسئولیت کمیسیون حمایت از اسرا و مفقودین شورای عالی دفاع که بعداً به شورای عالی امنیت ملی تغییر نام پیدا کرد به عهده من قرار گرفت و آن مسئولیت تا زمان آزادسازی اسرا و بازگشت آنها به کشور ادامه داشت. همچنین رسیدگی به ایثارگران که بعداً به عهده معاونت جنگ و پشتیبانی دانشگاه گذاشته شد از دیگر وظایف بنده بود. به همین لحاظ به مقوله شهدا و ایثارگران و خانواده آنها آشنایی کامل دارم.

در ستاد پشتیبانی جنگ چه فعالیت‌های انجام می‌دادید؟

- آن سالها زمانی بود که دانشجویان باید در جنگ مشارکت می‌کردند و ما از میان دانشجویان، اعزام‌هایی داشتیم و هر دانشجویی که قصد اعزام به جبهه داشت باید از طریق این شورا مجوز می‌گرفت و از این کانال اقدام می‌کرد. مسئولیت ما رسیدگی به امور دانشجویان رزمنده و ایثارگر بود. کسانی که درگیر



سفر محمد علی کلی به ایران به عنوان میانجی میادله اسرا

نچشیده اند نمی‌توانند بگویند چه مزه‌ای دارد. آن عسلی را که ما چشیده ایم حتی شاید رنگش را نسل امروز نتواند ببیند. امروز چیزی را که ما در حال حاضر داریم به نسل امروزی منتقل می‌کنیم، بیشتر شهادت، اسارت، سختی، تحریم و... است. اما



نسل ما پویا بوده، درگیر بوده، سرنوشت ساز و تاریخ ساز بوده و هر آن که اراده کرده توانسته همه چیز را تغییر دهد. نسل امروز به واسطه وضعیت کنونی که در جهان حکمفرماست شرایطش تغییر کرده و باید با این نسل متفاوت عمل کرد چرا که دو نسل کاملاً متفاوت هستند و امکان مقایسه وجود ندارد.

در این رابطه آیا راه حلی به نظرتان می‌رسد؟

- کاری که من انجام دادم فکر می‌کنم در محدوده خودم موفق بوده. سعی کرده‌ام مفاهیم آن روزها را با روحیه امروزی منتقل کنم. یعنی آن شرایط را طوری که قابل درک و باور باشد منتقل کنم. البته هنر ما در این قضیه خیلی ضعیف عمل کرده. سینما نه تنها ضعیف بلکه خیلی هم بد عمل کرده است. صدا و سیما که نقش انتقال آن شرایط و مفاهیم را داشته نتوانسته است به رسالت خود عمل کند.

تعداد زیادی از کارگردان‌های خوب ما، بیشتر به مقوله‌های عشقی و جنایی پرداخته‌اند تا بتوانند تاریخ را ورق بزنند. البته بوده‌اند کارگردانهایی که زحمت کشیده‌اند مثل آقای حاتمی‌کیا و توانسته‌اند کار مثبتی در این زمینه انجام دهند. اما بازسازی آن صحنه جز در خود آن صحنه امکان ندارد.

می‌شود عظمت آن صحنه را آفرید، اما بازسازی آن صحنه فقط در آن صحنه میسر است. یعنی من هر چه بگویم که ما هم می‌ترسیدیم هم می‌جنگیدیم هم لذت می‌بردیم اینها سه واژه متفاوت هستند که شاید بگویند اگر می‌ترسیدید چرا لذت می‌بردید یا اگر می‌ترسیدید چرا می‌جنگیدید و اگر می‌جنگیدید چرا لذت می‌بردید و می‌ترسیدید. در صورتی که جنگ مجموعه‌ای از این شرایط بود که همه ما را

در کنارش ساختن و شرایط روحی که برای جوانان ما فراهم می‌شد به لحاظ انتزاعی بودنش امکان انتقالش مشکل است. ما در انتقال مفاهیم جنگ و شرایط ویژه‌ای که حکمفرما بود مشکل داریم و نتوانستیم به نسل امروز بگوئیم که شما کجا بودید و دارید به کجا می‌روید و ما کجا بودیم و داریم به کجا می‌رویم. به نظر من نسل امروز قابل سرزنش نیستند. برای ما سخت است که خودمان را با این نسل مقایسه کنیم.

نمی‌دانند. البته خوشبختانه در دانشگاه ما عمدتاً^۶ همینطور است. و افراد دنبال این هستند که اینکار را عاشقانه انجام دهند. و اگر در دانشگاهها اینکار با همین رویه جلو بیایید ما می‌توانیم بگوئیم که موفق هست، و گرنه می‌شود کار اداری، که من با آن موافق نیستم. ولی این را می‌دانم که در دانشگاه ما موفق بوده است.

به عنوان حرف آخر اگر چیزی ناگفته مانده بفرمائید.

- آن چیزی که به ذهن می‌رسد و فکر می‌کنم که روی آن باید حساسیت به خرج دهیم رسالت ماست. چه آنان که رفتند و بچه‌هایشان‌های آنان الان جانشینان آنها هستند و چه من و امثال من که به قول معروف نتوانستیم به دلایلی با آن کاروان حرکت کنیم و نقش آفرینی آنها را داشته باشیم و از آن کاروان عقب افتادیم باید به این رسالت عمل کنیم. اگر همه افراد به این رسالتشان در مقابل چیزی که باعث شهادت افراد و شاهد شدن فرزندانمان شد عمل کنند، مسلماً راه روشن خواهد شد و ما مسیر را به آخر خواهیم رساند. و الا من نگران نسل‌هایی هستیم که به مرور از آن اصالت و شرایط دور می‌شوند. این نگران کننده است و بر می‌گردد به سوال شما. یعنی ما باید بتوانیم بین نسلی که در قالب شهادت باقی است و نسلی که متأسفانه بعضی‌هایشان دارند با این شرایط روز، فانی می‌شوند پلی ایجاد کنیم و این دو را با هم پیوند بزنیم و این جزء رسالت من به عنوان یک معلم دانشگاه یا شما به عنوان یک شخص فرهنگی و دیگران که این شرایط را به نقطه‌ای برسانیم که ان شاء... از کارمان راضی باشیم.

پویا، زنده و دونده کرد و ما را به سوی شرایطی برد که همانطور بیکه می‌بینید نسل آن روز، مدیر امروز است آن شرایط را جنگ به وجود آورد. من نمی‌خواهم بگویم که جنگ خوب است، جنگ خیلی بد است، خانمانسوز، یتیم ساز و بحران ساز است. اما جنگ سازنده هم هست. مفید هم بوده و هست. ما از جنگی که می‌توانست نسل ما را ویران کند و از بین ببرد توانستیم شرایطی را به وجود آوریم که نسل سازنده‌ای به وجود بیاید.

حالا از رابطه خودتان با دانشجویان شاهد و

ایثارگر بگوئید. آیا به شما مراجعه می‌کنند؟

«آنها زیاد پیش من می‌آیند. به خاطر احساسی است که خود من نسبت به آنها دارم. حتی اگر خودشان نیابند زمانیکه آنها را در کوچه و بازار ببینیم سعی می‌کنم به سمت آنها بروم با مشکل آنها مرتبط شوم و ارتباط برقرار کنم. کوچکتر از آن هستم که بگویم نقشی دارم ولی گاهی اوقات سعی می‌کنم که نقش پدری نیز برای آنها ایفا کنم. مثلاً بعضی وقتها مواردی پیش آمده که در زندگی شخصی این دانشجویان حضور داشته باشم، حتی در مراسم ازدواجشان به عنوان پدر حضور پیدا کنم.

نظرتان در مورد طرح استاد مشاور چیست؟

به نظر شما این طرح از زمان اجرا تا کنون چقدر موفق بوده است؟

- به نظر من موفق بوده. من بارها در ستاد شاهد و ایثارگر نیز این را گفته‌ام که بروید دنبال کسانی که دنبال این کار می‌آیند یعنی به اینکار عشق می‌ورزند و آنهایی که منشاء اینکار را وظیفه اداری و اجرایی

خبر خیال من پیچ برای پدرم

می‌زند دوباره باد تازیانه مرگبار
می‌شکافدم به درد از میان شاخسار
جای تازیانه‌اش چون خطوط قرمزی
مانده داغ و دردناک بر دلم به یادگار
ذوق شاعرانه را زنده کن بهار من
بر من از صمیم قلب، گرم و مهربان بیار
یک تبسم ای پدر! تا مگر به شوق آن
لب به خنده واکنم بر جفای روزگار
پاک کن ز خاطر من حسرت گذشته را
خط قرمزی بکش روی مشق‌های تار

در خیال من بی‌بیج تا دمی ببویمت
تا کلاغ نحس مرگ سر نداده قار قار
پر کن از حضور خود لحظه لحظه مرا
گرد غصه را بشوی از نگاه داغدار
بی‌تو سرد و سوزناک در سکوت لحظه‌ها
می‌زند دوباره باد تازیانه مرگبار

فاطمه پروانه اسدی
فرزند شهید فرامرز پروانه اسدی
دانشجوی علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

متن پیام حضرت امام خمینی (ره) در اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز جهانی قدس

بسم الله الرحمن الرحيم

من طی سالیان دراز، خطر اسرائیل غاصب را گوشزد مسلمین نمودم که اکنون، این روزها به حملات وحشیانه خود به برادران و خواهران فلسطینی شدت بخشیده است و به ویژه و در جنوب لبنان به قصد نابودی مبارزان فلسطینی پیاپی، خانه و کاشانه ایشان را بمباران می کنند.

من از عموم مسلمانان جهان و دولتهای اسلامی می خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبان آن، به هم بپیوندند. جمیع مسلمانان جهان را دعوت می کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را که از ایام قدر است و می تواند تعیین کننده سرنوشت مردم فلسطین نیز باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی همبستگی بین المللی مسلمانان را در حمایت از حقوق قانونی مردم مسلمان فلسطین اعلام نمایند. از خداوند متعال پیروزی مسلمانان را بر اهل کفر خواستارم.



دستورالعمل‌هایی برای

خلاقیت

زهر افلاح نژاد / فرزند جان‌باز
دانشجوی رشته علوم تربیتی

دو هفته‌نامه موفقیت / سال نهم / شماره ۱۰۶ / صفحه ۱۶

برای خلاق بودن حتما نباید ایده‌هایتان بزرگ باشد، بلکه تنها باید کمی دنیا را تغییر دهد. اگر ایده‌تان منحصر به فرد باشد، نمی‌توانید کارهای حیرت‌آوری انجام دهید در نتیجه دنیا را تغییر می‌دهید. شما مسوول تجربیات خویش هستید. همه افراد قله اورست شخصی خودشان را دارند و همه بر روی زمین هستند تا از قله خود بالا روند. هر چه فرد باهوش‌تر و مستعدتر باشد، کمتر نیاز به پشتوانه دارد. اگر درد را بپذیرید، به شما صدمه‌ای نمی‌زند. هرگز خود درونتان را با افراد دیگر مقایسه نکنید.

دنیا در حال تغییر و پیشرفت است و برای هدایت و عبور از واقعیات جدید باید خلاق بود. نگاه شما به دنیا باید خلاق تر و مبتکرانه باشد و ایجاد ارتباطات دو سویه و خلاق بین شما و دیگران موجب بروز خلاقیت‌های تازه می‌گردد. شایستگی و لیاقت می‌تواند خریداری شود اما شور، هیجان و عشق نمی‌تواند خریداری گردد. تنها افرادی که بخواهند می‌توانند دنیا را تغییر دهند. با صدای خودت آواز بخوان. اگر کسی اهمیت نمی‌دهد، خلاقیت را برای خودت به کار گیر. در مورد یافتن فکر بکر نگران نباش، خودش به تدریج شکل می‌گیرد. قدرت هرگز داده نمی‌شود بلکه گرفته می‌شود. لحظه ای که آماده انجام کاری می‌شوید لحظه ای است که رویای خود را به مرحله واقعیت می‌رسانید شما از کسی نخواستید که به شما قدرت و اراده ببخشد تا به اهدافتان دست یابید بلکه خود قدم گذاشته‌اید و به دیگران ثابت کرده‌اید که قبلاً این توانایی را داشته‌اید و زمانی که آماده انجام آن می‌شوید در واقع آن را به دست می‌آورید. هر چه ایده‌های شما جدیدتر و بکرتر باشد، دیگران کمتر قادر خواهند بود، نصایح سودمندی به شما ارایه دهند. برخی دوستان شاید شما را دوست بدانند اما نمی‌خواهند که شما تغییر کنید. برای هر چیز ارزنده ای نیرو، انرژی و وقت بگذار. هیچ کس چیزی را یک دفعه کشف نمی‌کند، بلکه همه چیز به تدریج و با زحمت به دست می‌آید. اگر خلاق باشید و مستقل فکر کنید، افراد مافوق شما پیش از پیش به شما نیاز خواهند داشت. سخت‌ترین بخش خلاق بودن این است که به آن عادت کنید.

ده راه حل برای خواب شبانه بهتر

هنوز تعداد زیادی از ما از بی‌خوابی‌های دوره ای رنج می‌بریم. تعداد زیادی از ما حتی اگر یک شب در هفته خواب خوبی نداشته باشیم، احساس بیماری و تند مزاجی داریم این مشکل جدی است، اگر شما جور دیگری فکر می‌کنید به این مطلب توجه کنید.

خواب یکی از نیازهای ابتدایی انسان است و همان اندازه که به اکسیژن نیازمند است به خواب نیاز دارد. یک خواب خوب در شب نه تنها با احساس ما در روز بعد در ارتباط است بلکه در دراز مدت به سلامتی ما هم کمک می‌کند.



شما را گرم خواهد کرد به شما آرامش می‌دهد و باعث می‌شود زودتر احساس خواب آلودگی کنید.

۶- اتاق خوابتان را تاریک، ساکت و با تهویه‌رسانی خوب نگه دارید.

۷- یک برنامه زمانی مشخص در هفت روز هفته تعیین کنید و از تمایل به دیر خوابیدن در آخر هفته‌ها اجتناب کنید اگر چه ممکن است شما احساس خوبی از انجام آن بدست آورید اما دیر خوابیدن در آخر هفته‌ها می‌تواند به بی خوابی در طول هفته منجر شود.

۸- حداقل ۳۰ دقیقه در معرض نور خورشید قرار بگیرید آفتاب صبح کمک می‌کند ساعت بدنتان تنظیم شود، بدون نور خورشید بدن شما بیداری را نمی‌شناسد.

۹- از قرار دادن ساعت در اتاق خوابتان اجتناب کنید، وقتی شما از خواب بیدار می‌شوید متوجه نمی‌شوید چه ساعتی از شب هست.

۱۰- مشروبات الکلی نخورید، اگر چه یک نوشیدنی قبل از خواب شما را خواب آلود می‌سازد، اما تاثیر الکل بعد از یک زمان کمی تغییر می‌کند، این تاثیرات فرعی الکل می‌تواند شما را بعد از دو ساعت از خواب بیدار کند.

منبع: رازهای خواب

میشل سگل

ترجمه: زهرا کاشانی، دانشجوی ادبیات انگلیسی

کسانی که هر شب ۴ ساعت یا کمتر می‌خوابند دو برابر کسانی هستند که هر شب به طور نرمال هشت ساعت یا بیشتر می‌خوابند. در مورد مسئله خواب جدید به خرج دهید این که چطور می‌توانیم خوب استراحت کنیم و سلامت بمانیم.

اگر خوابیدن شما را به دردسر انداخته این روش‌ها به شما کمک می‌کند و قبل از این که مرض بی‌خوابی باعث شود سلامت شما به خطر بیفتد با یک پزشک ملاقات کنید.

۱- اگر در نیمه‌های شب نمی‌توانید بخوابید، از رختخواب بلند نشوید، این که خودتان را در معرض روشنایی نور قرار بدهید در ساعت بدن شما تاثیر خواهد گذاشت و بی‌خوابی شما را بدتر خواهد کرد، در تخت بمانید.

۲- از خواب نیم‌روز اجتناب کنید مگر اینکه که کوتاه باشد ۱۵-۱۰ دقیقه بین ساعت ۲ و ۴ بعداز ظهر

۳- ساعات خواب خود را به میانگین تعداد ساعاتی که هر شب در طی هفته گذشته واقعا خوابیده‌اید محدود کنید، تلاش نکنید اگر کمتر خوابیده‌اید در شب بعد جبران کنید این کار عملی نیست.

۴- هر روز تمرین مرتبی انجام دهید، اما حداقل شش ساعت قبل از زمان خواب تمام کنید، تمرین کردن در بعداز ظهر شما را در بیدار ماندن کمک می‌کند.

۵- قبل از خوابیدن یک حمام داغ بگیرید، حمام

اساتید پدر و مادر دوم بچه ها

رقیه افسری

ضمن تشکر از حضورتان در این گفتگو خواهش می‌کنم خودتان را به‌طور کامل معرفی نمایید:
- من سمیه رفیعی دستجردی فرزند آزاده جانباز، رحمتا... رفیعی دستجردی هستم. در بهمن سال ۷۷ بدون سهمیه در مقطع کارشناسی دانشگاه تربیت معلم تهران در رشته فیزیک هسته‌ای پذیرفته شدم و در سال ۸۲ با کسب رتبه ۱ در سهمیه، موفق شدم در رشته فتونیک دانشگاه شهید بهشتی قبول بشوم و به لطف خدا امسال هم در مقطع دکتری در رشته فتونیک همین دانشگاه پذیرفته شدم.

میهمانی کم می‌رویم و هر کس در اتاق خود مشغول مطالعه است. از زمانی که یاد می‌آید ما از بچگی در خانه کتاب می‌خواندیم و مطالعه زیادی داشتیم. همین جو باعث شد تا این انگیزه در من قوی‌تر شود.

لطفاً در مورد نحوه مطالعه خود بیشتر توضیح دهید

- به نظر من آدم باید برای هر کاری یک برنامه ریزی بلند مدت و یک برنامه ریزی کوتاه مدت داشته باشد. مثلاً من برای ۵ سال آینده برنامه ریزی می‌کنم که کجا باشم. و برای رسیدن به آنجا یک سری مقدمات لازم است از قبیل: خواندن کتاب‌هایی خاص و انجام دادن کارهایی. و همین را می‌توان در برنامه ریزی کوتاه مدت انجام داد. مثل برنامه هفتگی یا روزانه.

اگر برنامه‌ریزی وجود داشته باشد درست است که آدم تحت فشار بیشتری است ولی دیگر نمی‌تواند تنبلی کند. شاید هم به همه آن چیزهایی که برنامه ریزی کرده نتواند عمل کند ولی همین برنامه ریزی به کارهای آدم نظم می‌دهد. مثلاً من برای این هفته که مقاله‌ام در کنفرانس علوم و پژوهش پذیرفته شده باید خودم را برای کنفرانس هفته بعد آماده کنم. و این باعث می‌شود که کارهایم روی هم تلمبار نشود.

البته نحوه مطالعه در مقاطع مختلف تحصیلی متفاوت است. من زمانی که می‌خواستم در مقطع ارشد کنکور بدهم، قبل از شروع کلاسهای آمادگی، درسها را خودم خواندم و زمانی که سر کلاس بودم فقط آنها را دوره و مرور می‌کردم و این کمک بزرگی بود.

لطفاً در مورد رشته فتونیک کمی توضیح دهید:

- در واقع هدف از ایجاد این رشته مهندسی کردن قسمتی از فیزیک بوده است. آمده اند در قسمت اپتیک فیزیک این کار را انجام داده اند و یک مهندسی در زمینه اپتیک به وجود آورده اند. مثلاً در رشته الکترونیک آن قسمت از مدارهای الکتریکی، الکتروسیسته ساکن یا الکترو مغناطیس فیزیک را به صورت مهندسی الکترونیک در آورده اند. در قسمت اپتیک فیزیک هم آمده‌اند و این کار را انجام داده اند. در واقع خواسته اند یک رشته مهندسی در اپتیک به وجود آورند که فتونیک نام گرفته است. گرایش‌های تغییر شکل، کاربردهای لیزر و کارهایی که در صنعت و پزشکی می‌توان با لیزر انجام داد. عده ای هم با قطعات لیزری سرو کار دارند و عده ای هم با پلاسما.

چطور شد که این رشته را انتخاب کردید؟

- من این رشته را به خاطر کاربردی بودنش انتخاب کردم. رشته من کاربردهای لیزر و قطعات است ما در فیزیک صرفاً یک سری تئوری می‌خوانیم و چقدر بتوانیم آنها را در عمل پیاده کنیم و قطعات بسازیم برای من مهم بود.

چه چیزی باعث شد تا این اندازه، انگیزه قوی برای تحصیل بدست آورید؟

- من وضعیتم با بچه‌های دیگر فرق می‌کرد. پدرم کارشناس ارشد فیزیک هسته‌ای است. مادرم لیسانس فیزیک دارد و جو خانه مان یک جو علمی است. ما

الان هم بعضی از دانشجویان را می‌بینم که از مناطق محروم هستند و سخت درس می‌خوانند. بعضی‌ها هم که قدرت خرید کتاب ندارند همیشه در کتابخانه‌ها اند. به نظر من الان شرایط ورود به دانشگاه خیلی آسان است.

چه عواملی می‌توانند در بچه‌ها انگیزه ایجاد کنند؟

- ببینید برای انجام کار فرهنگی و نهادینه کردن آن احتیاج به دستگاه یا نهادی است که این وظیفه را انجام دهد. مثلاً بستن کمر بند را در نظر بگیرید ابتدا هیچ کس آن را رعایت نمی‌کرد ولی بعد از سیاست‌های اتخاذ شده کم کم دارد نهادینه می‌شود. برای این مسئله نیز باید نهادهایی ایجاد شود که بچه‌های ما بدانند و توجیه شوند که هدف از درس خواندن چیست. که در اینجا رسالت آموزش و پرورش خیلی مهم است سازمان سنجش و نهادهای مرتبط دیگر نیز همین طور.

خانواده‌ها نیز پس از آموزش باید روی این مسئله کار کنند. اساتید نیز نقش تعیین کننده‌ای در این رابطه دارند. در واقع مثل پدر و مادر دوم بچه‌ها می‌مانند. من فکر می‌کنم اگر یک دانشجو استادش را قبول داشته باشد حرف او را بیشتر از حرف پدر و مادرش می‌پذیرد. معمولاً اساتیدی که تکالیف و امتحان بچه‌ها را جدی نمی‌گیرند این باعث بی‌انگیزگی آنان می‌شود ولی برعکس، اساتیدی که کارهای دانشجویان را به طور جدی دنبال می‌کنند تاثیر زیادی در علاقه مندی آنها به درس دارند. ما ایرانیها معمولاً کارهایمان را دقیقه نود انجام می‌دهیم و آن کار را دست و پا شکسته سرهم بندی می‌کنیم.

به نظر شما در حال حاضر علت بی‌انگیزگی بچه‌ها نسبت به درس چیست؟

- به نظر من آدم‌ها زمانی نسبت به یک مسئله حریص می‌شوند که دسترسی به آن برایشان غیر ممکن یا خیلی

سخت باشد. شما ببینید در گذشته پدرها و مادرهای ما خیلی شرایطشان برای تحصیل سخت‌تر از امروز بود. در آن زمان دانشگاه‌ها خیلی کم بودند. هزینه زیادی هم داشتند. همین دانشگاه شهید بهشتی که در قدیم دانشگاه ملی بود، از دانشجویان پول می‌گرفت.

شرایط خانواده‌ها طوری بود که پسرها باید کار می‌کردند و در خرج و مخارج خانه به پدرشان کمک می‌کردند و دخترها هم بایستی خانه‌داری را یاد می‌گرفتند. و آنهایی که نسبت به علم و دانش علاقه شدید داشتند و کلاً در این زمینه حریص

بودند دنبال درس خواندن می‌رفتند. پدرم تعریف می‌کند زمانیکه بچه بود و قدرت خرید کتاب را نداشت به بهانه نگاه کردن و خریدن کتاب هر دفعه قسمتی از یک کتاب را می‌خواند تا آن کتاب را به پایان برساند.



به خاطر از دست دادن عزیزترین کس خود این حق نا چیز را دریافت می‌کنند و این کمترین کاری است که به عنوان جبران قسمتی از آن کمبودها که ناشی از نبود پدر می‌باشد در اختیار این بچه‌ها قرار گیرد.

**پدر یا برادر هر کسی شهید نمی‌شود.
همان طور که هر کسی لیاقت
شهادت با امام حسین (ع) را نداشت
و هر کسی لایق شهادت به فرماندهی
امام خمینی (ره) نبود.**

ما باید با خودمان بگوئیم اگر ما هم پدر نداشتیم الان از این امکاناتی که پدرمان فراهم کرده می‌توانستیم بهره مند شویم. خودمان را باید جای این بچه‌ها بگذاریم. این حقی است در مقابل ایثار و فداکاری پدران و برادران بچه‌های شاهد و ایثارگر که قطره ای در مقابل دریاست. باید این سوال را از خودمان بپرسیم که اگر این شهیدان و ایثارگران به جبهه‌ها نمی‌رفتند و در مقابل دشمن نمی‌ایستادند الان این آرامش را داشتیم یا نه؟ و کاری نداریم که این حق را قبول کنند. چون همیشه حرف حق را عده کمی می‌پذیرند و عده کثیری آن را قبول نمی‌کنند. همان طور که امام حسین (ع) قیام کرد و به پا خاست. حرف او حق بود ولی عده زیادی آن را نپذیرفتند و به جنگ با او برخاستند و شهیدش کردند و عده اندکی حرف او را پذیرفتند، عقایدش را پذیرفتند، با او همراهی کردند و با ایشان به شهادت رسیدند.

شاید من پشت سر استاد بگویم چه استادی! چقدر سخت گیر است. ولی عملاً باعث می‌شود من بهتر درس بخوانم. و آن را جدی بگیرم. یک مقدار هم به علت این است که جو دانشگاه با مدرسه فرق می‌کند. خوب دانشجو وقتی که وارد محیط دانشگاه می‌شود، با یک سری مسائل حاشیه‌ای دیگر نیز درگیر می‌شود. و این خود باعث مقداری افسار گسیختگی می‌شود. نمی‌گویم این مسائل باعث بی‌انگیزگی دانشجویان می‌شود ولی بچه‌ها کمی شل می‌شوند. من گاهی اوقات بچه‌هایی را می‌بینم که در مورد برنامه‌های فوق برنامه خود بیشتر دغدغه دارند تا درس و مسائل آموزشی. استادان با نحوه رفتار خود نقش زیادی در این زمینه دارند. اگر آنها روان شناس باشند خیلی راحت بچه‌ها را به درس خواندن علاقه مند می‌کنند همان طور که یک معلم می‌تواند نقش زیادی روی انگیزه شاگردانش داشته باشد.

در انتهای این گفتگو اگر صحبت خاصی دارید بفرمایید

- چیزی که به دوستانم می‌خواهم بگویم این است که قدر این فرصت را بدانند. پدر یا برادر هر کسی شهید نمی‌شود. همان طور که هر کسی لیاقت شهادت با امام حسین (ع) را نداشت و هر کسی لایق شهادت به فرماندهی امام خمینی (ره) نبود. باید بچه‌ها افتخار کنند و برای این مسئله ارزش قائل شوند.

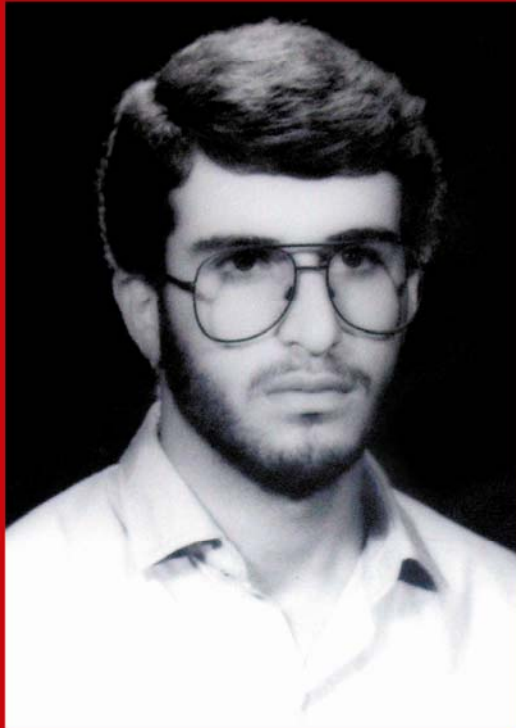
ما باید در مورد قضیه سهمیه تبلیغ کنیم و لی نباید بخواهیم آن را ثابت کنیم. چون سهمیه یک حق است و حق نیز با وجودش خودش را ثابت می‌کند و احتیاجی به ثابت کردن ندارد. این حق بچه‌هاست که

باز دیدار خانواده محترم

شهید اردشیر (محمد رضا) احمدی

روز سه شنبه ۲۴ آبان قلوب ما
مملو از عشق دیدار از خانواده‌ای بود
که در آسمان حیاتشان ستاره‌ای
می درخشید. چه می‌گوییم؟ او هنوز هم
می درخشد و اگر چشم دل باز کنی او
را حس خواهی کرد.

میرداد خدا



شهید احمدی در سال ۱۳۴۶ در شهر تهران متولد گردید. به گفته مادر گرانقدرش از همان ابتدا شهید در مدرسه شاگرد ممتاز بود و در ضمن تحصیل، کار هم می‌کرد و همیشه حرفه‌ای می‌زد که خیلی بزرگتر از سنش بود. او می‌گوید: "یک بار وقتی که در دوره راهنمایی تحصیل می‌کرد از من پرسید: "جنگ بهتر است یا صلح؟" و من در جواب گفتم خوب معلوم است که صلح بهتر است. و او پس از کمی فکر کردن به من گفت: ولی مادر صلح با چه کسی و به چه قیمتی؟ آیا با اسرائیل هم می‌شود صلح کرد که خانه ملت دیگری را اشغال کرده است؟ من در آن زمان واقعاً بهت زده بودم که این بچه با سن کمی که دارد به چه چیزهایی فکر می‌کند."

و من با خود می‌اندیشم مردان خدا همیشه بزرگ بوده‌اند و سن و سال‌های قراردادی بین ما آدمها برای آنان صدق نمی‌کند. چه بزرگ مردان کوچکی که از صدر اسلام تاکنون نقش آفریدند.

مادر شهید با مهربانی از خاطرات ستاره زندگی‌اش می‌گوید. آلبوم عکسها را نشانمان می‌دهد و با شور و حرارت خاصی در مورد تک‌تک عکسها توضیح می‌دهد. گویا گذشت سالها خاطرات را تازه‌تر می‌کند. بغضش را فرو می‌بلعد. نمی‌خواهد اشکش را ببینیم. تعدادی از عکسها را امانت می‌گیرم. از شنیدن آنهمه شنیدنی سیر نمی‌شویم اما فرصت رو به پایان است و زمان خداحافظی و امید دیدار از ستاره‌های دیگر و خاطرات شیرین او.



شهید اردشیر (محمد رضا) احمدی

کامپیوتر

رشته تحصیلی

۱۳۴۶ تهران

تاریخ و محل تولد

۱۳۶۵ شلمچه

تاریخ و محل شهادت

فرازهایی از وصیت‌نامه شهید اردشیر (محمد رضا) احمدی اکنون که این سطور را می‌نگارم شما را به تقوای خدا و صبر و استقامت وصیت می‌کنم، پدر عزیزم شما بزرگترین معلم زندگی‌م بوده‌اید و هستید و هرگز نتوانستم قدر معرفت، دانایی و شعور شما را درک کرده و ارزش گذاری نمایم، از شما برای تمام زحمات و پندهایی که داده‌اید سپاسگزار می‌کنم.

مادر مهربانم نمی‌دانم چگونه محبت‌های وصف‌ناشدنی شما را سپاس گویم، چه شبها که شما و بابا چشم برهم نگذاشتید تا ما راحت باشیم، الحق که تنها پاداش عمل شما را خدا می‌داند و می‌دهد و بس. اما برادران خوب و مهربانم، شما عزیزان امیدهای فردای اسلام و یاور پدر و مادر باشید. در همه حال نماز را به پای دارید. و به احکام خدا تقید داشته باشید، درس خود را با جدیت تمام بخوانید. تقوا را سرلوحه حیات خود سازید.

همه شما را سفارش می‌کنم به مطالعه کتاب مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی شهید مطهری. در سیر مطالعات خویش به کتابهای شهید مطهری و شهید بهشتی تکیه بسیار نمایید.

لحظه ای خدا را فراموش نکنید، مراتب ایمان خود را تکمیل کنید. به سوی کمال و ایمان و آگاهی هر چه بیشتر گام بردارید.

عزیزانم اگر حالی به شما دست داد برای شهدا نماز غفیله و زیارت عاشورایی بخوانید. اگر قبری داشتم مرا فراموش نکنید. و از دعایتان مرا محروم نفرمایید. آرزوی صبر و استقامت و پیروزی و موفقیت در تمام مراحل زندگی و کسب معارف اسلامی را برایتان خواهانم. از الطاف و محبت‌های شما سپاسگزارم و شما را به خدای می‌سپارم. راضیم به رضای خدا.

شهید محمد رضا اردشیر احمدی در ۱۳ بهمن ۱۳۴۶ مصادف با نیمه شعبان متولد شد. در سن ۶ سالگی به مدرسه رفت و دوران تحصیل خود را با موفقیت گذراند.

شهید بزرگوار از همان کودکی نسبت به مسائل و جریانات سیاسی پیرامون خود بسیار حساس بود به طوری که وقتی روزنامه‌ها از جنگ لبنان و وضع انور سادات نوشته بودند ایشان معتقد بود که صلح با کفر هرگز!

وی به امام و نهضت اسلامی او بسیار علاقه داشت و در این راه نیز بسیار خدمت نمود. این شهید والا مقام پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز با حضور در پایگاه بسیج مسجد در حفظ آرمان‌های انقلاب تلاش گسترده‌ای داشت. تا اینکه جنگ تحمیلی نیز شروع شد. پس از آزادی منطقه مهران در دانشگاه شهید بهشتی قبول شد و آن‌گاه حضور در جبهه را تکلیف خود دانست. و بالاخره در اولین شب زمستان عازم جبهه شد و در تاریخ ۱۳۶۵/۱۰/۲۶ در عملیات کربلای پنج در منطقه شلمچه به دیار نور پر کشید.

ابوالهول

میراث سنگی فراعنه

تندیس ابوالهول (مجسمه مرگ) که در فاصله ۴۰۰ متری از اهرام سه گانه و شمال معبد دره‌ای به نام خفرع قرار دارد، بنام پاسدار و نگهبان اهرام نیز نامیده شده است. سر این مجسمه شبیه سر انسان، اما اندامش مانند اندام شیری است که بر زمین نشسته و پنجه‌هایش را جلو گذاشته است.



علاوه بر مجسمه بزرگ ابوالهول که در جیزه واقع است، مجسمه‌های کوچک بسیار دیگری شبیه به ابوالهول، در جاهای دیگر مصر دیده می‌شود، با این تفاوت که سر هر کدام از این مجسمه‌ها به شکل سر یکی از پادشاهان مصر ساخته شده است. اندیشه ساختن این نوع مجسمه‌ها از مصر به تمدن‌های دیگر، مانند تمدن آشوری و یونانی نیز رخنه کرده. مجسمه‌ها در این مکان‌ها معمولاً بال داشتند. در تمدن آشور بیشتر پیکره‌ها را به شکل مردها می‌ساختند ولی در یونان، پیکر تراشان سر مجسمه‌ها را به شکل زن در می‌آوردند.



مجسمه ابوالهول، کهنترین و بزرگترین تندیس دنیای باستان است که علیرغم صدمه‌های فراوانی که در دوران استیلای اعراب به آن وارد شده و باعث از بین رفتن بخشی از چهره آن گردیده است، با ابهت‌ترین مظهر سلطنتی فراعنه به حساب می‌آید. ابوالهول رو به سمت شرق دارد و در میان پنجه‌های آن نیز معبد کوچکی ساخته شده است. سنگهای بکار رفته در معبد، غالباً از تراش تخته سنگ طبیعی که پیکره ابوالهول را تشکیل می‌دهد، بدست آمده و وزن برخی از آنها به بیش از ۲۰۰ تن می‌رسد.

سر و قسمت جلوی مجسمه ابوالهول از تخته سنگی یکپارچه و طبیعی به طول ۵۷ متر، عرض ۶ متر و بلندای ۱۸/۶ متر، تراشیده شده است؛ پهناي چهره حدود ۴ متر و پاها و سایر قسمت‌های بدن را با سنگ چین و آجر تکمیل کرده‌اند. چهره این تندیس، احتمالاً صورت خفرع، فرزند و جانشین خوفو و بدن آن، هیکل شیر می‌باشد. بسیاری معتقدند که ابوالهول چیزه، مظهر خدای خورشید (رع - هراخت) است و حتی ممکن است در زمان واحد، مظهر خدا و فرعون بوده است.

این هیولای سنگین در صحرای مصر و در هشت کیلومتری قاهره، روبه روی اهرام سه گانه قرار دارد. سر ابوالهول با دقت و ظرافت خاصی تراشیده شده، اما اندام آن ناهموار و خشن است. در میان پنجه‌های ابوالهول معبد کوچکی ساخته شده است. در این اتاق کوچک، کتیبه‌هایی یافت می‌شود که متعلق به دو تن از پادشاهان قدیم مصر است. روی آنها نوشته شده که ابوالهول نشان دهنده یکی از تصویرهای الهه آفتاب ها، «رماخسیس» است. همچنین هدف از قرار دادن این هیولای بزرگ، پاسداری از گورستان اطراف اهرام سه گانه از شر شیطان است.

در کتاب‌های باستانی مصر، واژه ابوالهول به معنای «سرور» آمده است. مردمان قدیم معتقد بودند که «سرور» هوش و چابکی و نیروی انواع حیوانات را دارد. آنها همچنین اعتقاد داشتند که او این نیروها را به وسیله در سر کردن پوست حیوانات یا بر سر نهادن سر آنها، به دست می‌آورد. به همین جهت مصریان از سروران خود مجسمه‌هایی می‌ساختند که نیمی از آنها شبیه انسان و نیمی دیگر شبیه به حیوان بود.

لبنان

(قسمت سوم)

سرزمین مقاومت

صدای برخورد موجها به کناره ساحل گوش نواز است. فکر کردن به زیبایی‌های الهی و نگاه کردن به آرامش دریا حسی خاص به افراد گروه می‌دهد. همه در سکوت به مدیترانه تمیز و مرتب با افراد شاد که در اطرافش گرد آمده‌اند نگاه می‌کنند، آدم به نوعی یاد ساحل خزر می‌افتد که چقدر کثیف و نامرتب است. و مسئول محیط زیست اقدامی در این رابطه انجام نمی‌دهد.

می‌کند: "امل تا امام موسی صدر بود، اهدافش به گونه‌ای در خدمت به اسلام خلاصه می‌شد، اما بارفتن امام موسی صدر دچار انحراف شد، با طراحی آمریکا و اسرائیل بین گروه حزب ۰۰۰ و امل تفرقه افتاد. در زمان آزاد سازی لبنان امل در بسیاری از طراحی‌های سیاسی همراه بسیار خوبی بود."



در مسیر راه صور، سید کمال خاطر نشان می‌کند دو اردوگاه یکی در صور و دیگری در صیدا وجود دارد. فلسطینی‌ها در لبنان حق ساخت و ساز ندارند و به این دلیل اکثراً در اردوگاه هستندی در حاشیه شهرها. در صور فردی از حزب ۰۰۰ به گروه اضافه می‌شود. ابوهیثم، جوان ۳۸ ساله ای که با لبخندی بر لب به همه ما سلام می‌کند. به نبطیه اولین شهر جنوبی شیعه نشین وارد می‌شویم. ادامه دارد ۰۰۰

بگذریم ما را چه به این حرفها؟! بعد از حدود یک ساعت به سوی خوابگاهمان در بیروت می‌رویم، خوابگاهی که مخصوص دانشجویان حوزه علمیه در لبنان است. چه شبهای خاطره انگیزی را پشت سر می‌گذاریم. صبح را زودتر از هر صبح دیگری در ایران. با خنده و شوخی آغاز می‌کنیم و زودتر از موعد در اتوبوس حاضر می‌شویم. اتوبوس از بیروت خارج می‌شود و به سمت جنوب لبنان و مرز اسرائیل پیش می‌رود. مردم و دولت‌مردان لبنانی باید بدانند استقلال کشورشان مرهون ایثارگری شهداء حزب ۰۰۰ است و بس.

واقعیت قضیه این است که نمی‌توان به هیچ روی منکر اهمیت کار حزب ۰۰۰ در تاریخ عرب و لبنان شد. در مسیر راه بیروت - صیدا باغهای موز بسیاری در حاشیه جاده به چشم می‌خورد که چشم انداز زیبا و خاصی به مسیر داده است.

"سید کمال" یکی از اعضای حزب ۰۰۰ لبنان با ما همراه است. وقتی به صیدا می‌رسیم به فارسی شکسته که خاص خارجیها است، صحبت خود را آغاز می‌کند و می‌گوید: "به منطقه جنوب خوش آمدید، این منطقه صیدا است و از همین جا جبل عامل شروع می‌شود. صیدا در ۱۹۱۷ مرز بین فلسطین (در دوران استعمار انگلیس) و لبنان بود."

قلعه زیبایی با تاریخ بسیار کهن از زمان فنیقیها در مقابل چشمانمان خود نمایی می‌کند. که در میان آبهای روان، قرار دارد.

سید کمال می‌گوید: "قبلاً در صیدا شیعیان زندگی می‌کردند، اما در حال حاضر اکثر اهالی این منطقه را اهل تسنن تشکیل داده است."

او در مورد «امل» و اهداف آن چنین اظهار نظر

اسامی دانشجویان شاهد و ایثارگر ممتاز نیمسال دوم ۸۵ - ۸۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	رشته	معدل
۱	سمیرا محمدی	معماری (ارشد)	۱۷/۸۳
۲	علیرضا ثابت مقدم	معماری (ارشد)	۱۷
۳	محمد رحیمی	معماری (ارشد)	۱۶
۴	یلدا رنجبران	معماری	۱۷/۹۱
۵	فاطمه رئیس اسمائیلی	معماری	۱۷/۲۵
۶	محمد رضا ضیایی	اقتصاد نظری	۱۷/۱۳
۷	حمید سهرابی	حقوق جزا (ارشد)	۱۷
۸	فاطمه منعمیان	حقوق	۱۸/۱۶
۹	مرضیه گلی	حقوق	۱۷/۶۳
۱۰	اعظم شوهانی	حقوق	۱۷/۰۳
۱۱	غلامعلی دهقانی	مدیریت آموزشی (ارشد)	۱۸/۹۲
۱۲	زهرا ترازویی	مدیریت آموزشی (ارشد)	۱۸/۵۰
۱۳	زینب بسطامی	روانشناسی	۱۷/۹۳
۱۴	زهرا سرلک	روانشناسی	۱۷/۰۱
۱۵	هاجر علیزاده مقدم	علوم تربیتی	۱۷/۸۳
۱۶	هادی نیکوکاران	علوم تربیتی	۱۷/۳۳
۱۷	محمد درخشانی	علوم تربیتی	۱۷/۲۴
۱۸	مهدیه همتی	مدیریت بازرگانی	۱۷
۱۹	مرتضی سبزی پور	مدیریت مالی (ارشد)	۱۶
۲۰	مرضیه گیلانی	تربیت بدنی	۱۸/۴۹
۲۱	سجاد بزرگی	تاریخ	۱۷
۲۲	زینب ریاضی	کامپیوتر	۱۶/۷۷

۱۶/۹۹	ریاضی محض	مریم عقلایی	۲۳
۱۷/۳۹	معماری	مریم گرگ پور	۲۴
۱۶/۸۰	برنامه ریزی درسی (ارشد)	علی نجات کیانی	۲۵
۱۷	حقوق (جانباز)	احمد خاوائی	۲۶
۱۷	حقوق محیط زیست (ارشد)	علی مردان حاتم نیا	۲۷
۱۷/۹۴	علوم گیاهی	خدیدجه نودهی	۲۸
۱۷/۱۱	ادبیات عرب	طیبه صیدی	۲۹
۱۷/۰۵	ادبیات عرب	مریم موسوی	۳۰
۱۷/۸۵	روان شناسی	فاطمه رسولی خورشیدی	۳۱
۱۶/۱۸	حقوق (ارشد)	رضا مرادی حقگو	۳۲
۱۶/۵۰	حقوق (ارشد)	روح اله زندی	۳۳

اساتید مشاور غیر آموزشی دانشجویان شاهد و ایثارگر

آقای دکتر پرچمی
خانم دکتر فردوسی
آقای دکتر خوش کنش
آقای دکتر آقامیری
آقای دکتر شریفی
آقای دکتر مهدوی
سرکار خانم بطحائی

در فصل پاییز تعداد (۱۰۵ نفر)، ۸۵ دانشجوی دختر و ۲۰ دانشجوی پسر به واحد مشاوره این امور مراجعه و از راهنمایی و مشاوره‌های اساتید بهره مند شده اند.

جدول آماری دانشجویان کارشناسی شاهد و ایثارگر
ورودی ۸۶-۸۵ به تفکیک جنسیت و نوع ایثارگری

جمع کل	پسر			دختر			رشته	نام دانشکده
	خ	ا	ش	خ	ا	ش		
۱ نفر	-	-	۱	-	-	-	ایران شناسی	ادبیات و علوم انسانی جمع کل: ۳ نفر
۱ نفر	-	-	۱	-	-	-	تاریخ باستان	
۱ نفر	-	۱	-	-	-	-	زبان انگلیسی	
۲ نفر	-	-	۲	-	-	-	مهندسی هسته ای	علوم مشترک جمع کل: ۲ نفر
۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	ریاضی محض	علوم ریاضی جمع کل: ۳ نفر
۱ نفر	-	-	۱	-	-	-	آمار و بیمه	
۱ نفر	-	۱	-	-	-	-	آمار و ریاضی	
۲ نفر	-	-	۲	-	-	-	کامپیوتر و نرم افزار	برق و کامپیوتر جمع کل: ۵ نفر
۱ نفر	-	-	۱	-	-	-	کامپیوتر	
۲ نفر	-	-	۲	-	-	-	برق الکترونیک	
۳ نفر	-	-	۱	-	-	۲	معماری	معماری جمع کل: ۵ نفر
۱ نفر	-	-	-	-	-	۱	عمران	
۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	طراحی شهری	

۶ نفر	-	۱	۵	-	-	-	علوم سیاسی	اقتصاد و علوم سیاسی جمع کل: ۶ نفر
۱ نفر	-	-	۱	-	-	-	مدیریت پروژه ساخت	مدیریت و حسابداری جمع کل: ۳ نفر
۱ نفر	-	۱	-	-	-	-	مدیریت صنعتی	
۱ نفر	-	-	۱	-	-	-	حسابداری	
۱ نفر	-	۱	-	-	۱	-	مشاوره خانواده	علوم تربیتی جمع کل: ۷ نفر
۳ نفر	-	۱	-	-	۱	۱	روان شناسی	
۲ نفر	-	۱	۱	-	-	-	مدیریت آموزشی	
۲ نفر	-	۱	۱	-	-	-	تربیت بدنی	تربیت بدنی جمع کل: ۲ نفر

ش: شاهد ا: ایثارگر خ: خانواده شهید

جدول آماری دانشجویان کارشناسی شاهد و ایثارگر
ورودی ۸۶-۸۵ به تفکیک جنسیت و نوع ایثارگری

جمع کل	پسر			دختر			رشته	نام دانشکده
	خ	ا	ش	خ	ا	ش		
۴ نفر	-	-	۱	-	۲	۱	فلسفه	ادبیات و علوم انسانی جمع کل: ۱۸ نفر
۴ نفر	-	۱	۱	-	۱	۱	علوم اجتماعی	
۴ نفر	-	۲	-	-	۱	-	ادبیات عرب	
۳ نفر	-	-	-	۱	۲	-	تاریخ	
۲ نفر	-	-	-	-	۲	-	ادبیات انگلیسی	

۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	ادبیات فارسی	ادبیات و علوم انسانی جمع کل: ۱۸ نفر
۱ نفر	-	-	-	-	-	۱	ادبیات چینی	
۲ نفر	-	-	-	-	۱	۱	شیمی محض	علوم مشترک جمع کل: ۹ نفر
۳ نفر	-	-	-	-	۲	۱	زیست دریا	
۲ نفر	-	-	-	-	۲	-	زیست گیاهی	
۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	زیست ملکولی	
۱ نفر	-	-	-	-	-	-	فیزیک	
۱ نفر	-	-	-	-	-	۱	ریاضی محض	علوم ریاضی جمع کل: ۱ نفر
۴ نفر	-	۱	-	-	۳	-	برق	برق و کامپیوتر جمع کل: ۶ نفر
۲ نفر	-	-	-	-	۱	۱	کامپیوتر	
۲ نفر	-	۱	۱	-	-	-	معماری	معماری و شهر سازی جمع کل: ۲ نفر
۶ نفر	-	-	۲	-	۴	-	علوم اقتصادی	اقتصاد و علوم سیاسی جمع کل: ۱۰ نفر
۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	اقتصاد نظری	
۱ نفر	-	۱	-	-	-	-	اقتصاد بازرگانی	
۱ نفر	-	-	۱	-	-	-	اقتصاد و بانکداری	
۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	علوم سیاسی	

ش: شاهد ا: ایثارگر خ: خانواده شهید

لیست دانشجویان ارشد شاهد و ایثارگر
ورودی ۸۵ به تفکیک جنسیت و نوع ایثارگری

نام دانشکده	رشته	دختر			پسر			جمع کل
		ش	ا	خ	ش	ا	خ	
حقوق جمع کل: ۱۰ نفر	حقوق و ماهیت فکری	-	۱	-	-	۱	-	۲ نفر
	حقوق اقتصادی	-	-	-	۱	۱	-	۲ نفر
	حقوق و تجارت بین الملل	-	-	-	۱	۱	-	۲ نفر
علوم زمین جمع کل: ۶ نفر	حقوق جزا	-	-	-	۱	-	-	۱ نفر
	حقوق	۱	-	-	۱	۲	-	۴ نفر
	جغرافیا و برنامه ریزی روستا	-	-	-	۱	-	-	۱ نفر
	جغرافیا	۱	-	-	۲	۱	۱	۵ نفر
	زمین شناسی	-	-	-	۱	-	-	۱ نفر
		۶ نفر	۵ نفر	۲۴ نفر	۱۸ نفر	۱ نفر	۵۴ نفر	

نام دانشکده	رشته	دختر			پسر			جمع کل
		ش	ا	خ	ش	ا	خ	
مدیریت و حسابداری جمع کل: ۸ نفر	مدیریت بازرگانی	۱	-	-	-	-	-	۱ نفر
	مدیریت مالی	۱	۱	-	-	-	-	۲ نفر
	مدیریت صنعتی	۱	-	-	-	۲	-	۳ نفر

۲ نفر	-	۱	-	۱	-	حسابداری	مدیریت و حسابداری جمع کل: ۸ نفر
۱۸ نفر	-	۳	۳	-	۴	۹	حقوق جمع کل: ۱۸ نفر
۳ نفر	-	-	-	-	۲	۱	مشاوره
۳ نفر	-	۱	۱	-	۱	-	روان شناسی
۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	روان شناسی بالینی
۳ نفر	-	۱	۲	-	۱	-	علوم تربیتی
۱ نفر	-	-	-	-	۱	-	زمین شناسی
۲ نفر	-	-	-	-	-	۲	جغرافیای انسانی
۱ نفر	-	-	-	-	-	۱	جغرافیای طبیعی
۸۷ نفر	-	۱۵ نفر	۱۲ نفر	۱ نفر	۳۶ نفر	۲۳ نفر	کلیه رشته‌ها جمع کل ۸۷ نفر

ش: شاهد ا: ایثارگر خ: خانواده شهید

مدارس عشق

به مناسبت ۵ آذر: روز بسیج

بسیج مدرسه عشق است. بسیج لشکر مخلص خداست. این دو جمله زیبا جزئی از عبارات بلند و پر محتوا و جذابیت که امام راحل (ره) در پاسخ به اخلاص، جانفشانی، ایثار، مردانگی و جوانمردی کسانی بیان داشته‌اند که برای دفاع از اسلام و ایران در دوران سخت دفاع مقدس قیام کردند.

بسیج در بدو تشکیل و نیز در دوران شکوفایی خود، بیش از آنکه یک سازمان رسمی باشد، یک فرهنگ و تفکر بود. فرهنگ و تفکری بلند از ایثار و فداکاری و گذشت و اخلاص و... فدا کردن خود و همه دارایی و وجود خود، بدون هیچ چشمداشتی، روزهای اول انقلاب بسیجی نه تنها توقع تشکر نداشت بلکه اگر از او تشکر هم می‌شد خود را مغبون می‌دید، بسیجیان مخلص حتی از خداوند هم انتظار تشکر نداشتند. آنان منت خدا را می‌کشیدند که عمل شان را قبول فرماید و...

امروز برای جامعه و کشور ما حفظ فرهنگ و تفکر بسیجی، یک ضرورت است و لذا چند نکته به مناسبت هفته بسیج و در جهت حفظ این فرهنگ قابل ذکر است.

۱- هر بسیج نباید کیفیت فدای کمیت شود، آنچه که بسیج را مهم می‌کرد عده زیاد بسیجیان نبود

بلکه کیفیت فوق العاده و کارائی آنان بود امروز تکیه سازمان بسیج به افزایش کمی، امری است که می‌تواند بسیج را از محتوای خود خالی کند.

۲- اولین شرط ورود به بسیج باید همانند گذشته، فداکاری و گذشت باشد ایجاد انگیزه‌های مادی و بعضاً غیر موجه برای جذب جوانان و بویژه دانش آموزان به بسیج، باعث گسترش سازمان بسیج خواهد شد اما مشخص نیست با فرهنگ بسیجی چه خواهد کرد.

۳- استفاده از بسیج به عنوان یک حزب، خیانتی بزرگ به بسیج و فرهنگ بسیجی خواهد بود. بسیجی نباید و نمی‌تواند موضع سیاسی نداشته باشد لیکن نباید سازمان بسیج به یک حزب سیاسی تبدیل شود. آزادی رای و عقیده سیاسی باید بر بسیجیان حاکم باشد، همانطور که در زمان دفاع مقدس چنین بود.

۴- امر بسیج فراتر از امور نظامی است و اگر ضرورت‌های دوران دفاع، وابستگی این نهاد به سپاه را توجیه می‌کرد، امروز لازمه فراگیر شدن بسیج، ایجاد طرحی نو در سازمان بسیج است.

به امید روزی که فرهنگ گذشت و فداکاری بر ارکان جامعه ما حاکم شود انشاءالله.

ومن الله التوفيق لمدبر مسئول

منبع: www.marashi.ir

دانشگاه مهندسی برق و کامپیوتر

